

سبک مراقبت



مصادیق خشونت‌های پنهان علیه کودکان را بشناسیم

فوق برنامه‌ای که خشونت علیه کودک است

الهام شریفی‌نیا*

مدتی قبل خبر قابل تأملی مبنی بر برگزاری یک شوی زنده لباس کودک در محله ولنجک تهران به خصوص در شبکه‌های اجتماعی همچون اینستاگرام منتشر شد. اگر بخواهیم این کودکان را با کودکانی که سر چهارراه‌ها گل یا در مترو فال حافظ می‌فروشند مقایسه کنیم، گو با ظاهراً تفاوت زیادی با هم دارند. کودکان کار در خانواده‌هایی رشد پیدا کرده‌اند که از نظر مسائل مالی در طبقات پایین جامعه قرار دارند، ولی کودکانی که توسط خانواده‌هایشان در شوی زنده لباس به عنوان مدلینگ شرکت می‌کنند، در طبقات بالای اقتصادی جامعه قرار گرفته‌اند. اگر چه از نظر ظاهر با هم متفاوت هستند، اما اگر بخواهیم از نظر روانی این موضوع را بررسی کنیم، کودکان مدلینگ تفاوتی با

تعمیر و تمسخر و توهین بیه کودک می‌توانند آینده او را تهدید کند. کودک می‌گوید: «می‌خواهم در آینده دکتر یا مهندس شوم.» والدین می‌گویند: «حتماً با این درس خواند؛ تو بدیلیم بگیری ما جشن می‌گیریم!» این جمله‌ها بازدارنده انگیزه هستند و عزت‌نفس کودک را پایین می‌آورند.

همچنین تهدید به ترک کردن و تنها گذاشتن کودک نیز نوعی خشونت پنهان علیه اوست. علاوه بر اینها حتی یک درددل ساده داشتن با کودک هم اگر حاوی موضوعات غم‌انگیز و ناراحت‌کننده باشد می‌تواند خشونت علیه روح و روان کودک محسوب شود. گذاشتن کلاس‌های فوق‌برنامه سنگین برای کودکان به بهانه رشد و موفقیت او نیز یک نمونه از مصادیق خشونت پنهان علیه کودک است چون فرصت کودکی کردن را از او می‌گیرد. استفاده از مواد مخدر و الکل در حضور کودکان یا به وجود آوردن خشونت‌های خانوادگی در فضایی که کودکان حضور دارند نیز یک نوع خشونت علیه آنهاست.

در واقع می‌توان گفت هر چیزی که احساس نامنی را در کودک بیافریند یا افزایش دهد، نوعی خشونت پنهان علیه

سبک سرگرمی

فراموش شدن بازی‌های گروهی در حصار آپارتمان‌نشینی!



و عینی‌تر کرده‌است.

دیروز خانه‌ها بزرگ‌تر و خانواده‌ها شلوغ‌تر بودند

اگر بازگشتی به دوران گذشته داشته باشیم اینطور می‌توان گفت که اکثر خانواده‌ها دو یا سه فرزند، با فاصله سنی کمتری نسبت به یکدیگر داشتند و همین امر نیز باعث تعامل و جمع‌نگری اعضای خانواده با هم می‌شد و از لحاظ شرایط محیطی بیشتر خانه‌ها شکل ویلایی داشتند و این امر سبب می‌شد تا کودکان با بتوانند تحرک و جنب و جوش بیشتری در فضای باز حیاط خانه و حتی در کوچه‌ها داشته باشند.

ایجاد حس تقلیدی و نمایشی با خاله‌بازی

بازی‌های بچه‌های دهه ۶۰به‌گونه‌ای بود که حس و وظیفه مسئولیتی‌پذیری و تعامل را در کودکان فعال و تقویت می‌کرد. به طور مثال دخترچپه‌ها و پسرچپه‌ها با خاله‌بازی نوعی حس تقلیدی و نمایشی که نشئت‌گرفته از زندگی در خانواده و جمع‌نگری بود را به‌وجودمی‌آوردند. دخترها با به پا کردن کش‌های مادرشان نقش و حس مادری و پسرها هم با تن کردن لباس پدرانشان به ایفای نقش‌هایشان

اوست. جمله‌هایی مانند نمی‌خوام ببینمت، دیگه مامان تو نمی‌شم، اصلاً با من حرف نزن، برو دیگه دوست ندارم، می‌میرم میذارم ت سر راه، برو از جلوی چشم دور شو، …، نمونه‌ای از صحبت‌هایی است که خشونت پنهان با خود به همراه دارد.

باید والدین مداخله کنند. البته هرگز برای ختم دعوا نباید یکی از فرزندان را قربانی کرد.

گفتن جملاتی مثل تو بزرگتری کوتاه بیا، تو کوچکتری خجالت بکش، یا اون بچه است نمی‌فهمه ولی تو بزرگ شدی، در این شرایط نوع خشونت پنهان علیه کودکان محسوب می‌شود بنابراین خشونت پنهان علیه کودکان یکی از بزرگ‌ترین مضلات در عرصه کودکی به شمار

می‌رود و متأسفانه خانواده‌ها از آن غافل هستند و گمان می‌کنند خشونت علیه کودکان در تنبیه بدنی خلاصه می‌شود. در واقع هر چیزی که حق و حقوق کودک را زائل کند، یک خشونت پنهان علیه اوست.

ترس، کابوس و فرار!

اگر بخواهیم به نشانه‌های اعمال خشونت پنهان علیه کودکان بپردازیم، اولین و مهم‌ترین نشانه آن، تغییر ناگهانی در اعتماد به نفس کودک است. ترس‌های غیرمعمول،

بیشتر شدن کابوس‌ها و در نهایت قصد فرار کردن نیز از نشانه‌های این مسئله است. همچنین سرگرداها یا شکم‌دردهایی که دلیل پزشکی ندارند نیز می‌تواند از نشانه‌های جسمانی اعمال کودک‌آزاری روانی باشد.

با پذیرش نامشروط به کودک احساس امنیت بیشخیم
برای اینکه بتوانیم راهکارهای پیشگیری از این نوع خشونت‌ها را بررسی کنیم باید به این نکته اشاره کنیم که ایجاد فضای امن در خانه در پیشگیری از این مسئله بسیار مؤثر است. البته ایجاد فضای امن در خانه به خودی خود صورت نمی‌گیرد. اگر بین پدر و مادر رابطه خوب و خالی از هر گونه تنش برقرار باشد، کودک در آن فضا احساس امنیت

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

سبک تربیت



نکته‌هایی درباره فرزندپروری

والدین کوچک بچه‌ها را بزرگ نمی‌کنند!

■ نکین خلج سرشکی

گاهی بدنیست به مهد کودکی برویم و کمی از دور بچه‌ها را نگاه کنیم. گاهی بدنیست قبل از تصمیم به فرزندپروری کمی بزرگ‌پروری کنیم و خودمان را بزرگ کنیم. همیشه فکر می‌کنیم بزرگ شدن یعنی قد کشیدن و لباس‌هایمان به تن کوچک شدن، اما در حقیقت بزرگ به کسی می‌گویند که فکر و روح بزرگی داشته باشد و هیچ فرقی ندارد یک کودک پنج ساله باشد یا یک بزرگ ۵۰ساله. گاهی بیش می‌آید که ما بزرگ‌تراهاز کودک هم کودک‌تر می‌شویم و پایه‌بای لجبازی، گستاخی و رفتارهای ناپسند او پیش می‌رویم و از آنجایی که هیچ‌وقت حواسمان به رفتار خودمان نیست کودک را مقصر و طرف گستاخ ماچرا می‌دانیم.

مادری را دیدم که در خیابان جلوی تعداد بی‌شماری غریبه به فرزند خود در گوشی می‌زد. چسرا؟! چون کودک برای داشتن اسباب‌بازی اصرار می‌ورزید و گریه می‌کرد، اما مادر اصلاً حواسش نبود که او بچه است و نمی‌داند چه خواسته‌ای بچا و چه خواسته‌ای نابجاست و در اصل مقصر واقعی والدین هستند که در زمان مناسب به او خواستن‌های منطقی را یاد نمی‌دهند و سعی دارند تربیت به اصطلاح درست را جلوی گر بیهوا اعمال کنند تا والدینی نمونه به نظر بیایند.

تقصیر کودک نیست که لوس شده است و گریه و گستاخی را بهترین شیوه برای رسیدن به هدف‌های خود می‌داند. او به باج گرفتن در ازای گریه نکردن و آسرویی والدین را حفظ کردن عادت کرده است. کودک زمانی که به دنیا می‌آید، نمی‌داند گستاخی، پرخاشگری، باج‌گرفتن و هنجارشکنی چیست. او مانند آینه‌ای در مقابل والدین، آموزگار ظاهرآطرفایان است و رفتارهای آنها را منعکس می‌کند.

والدینی که از پرخاشگری و آستانه ضعیف صبر کودک خود شکایت دارند، نباید کمی ذره‌بین‌را به سمت رفتارهای خود بچرخانند و ببینند کجا و چه زمانی در مقابل او و پرخاشگری کرده‌اند و از نشانه‌ها چه یاد دست برای باز کردن گره استفاده کرده‌اند.

والدینی که می‌گویند کودک من حسود است، باید به یاد بیآورند چقدر او را با دیگر هم‌سن و سال‌هایش مقایسه کرده‌اند. کودک والدینی که می‌گویند کودک من حسود است، باید به یاد بیآورند چقدر او را با دیگر هم‌سن و سال‌هایش مقایسه کرده‌اند. کودک والدینی که می‌گویند کودک من حسود است، باید به یاد بیآورند چقدر او را با دیگر هم‌سن و سال‌هایش مقایسه کرده‌اند.

والدین می‌گذارند، بعدها رفتارهای زشت خود را تعمیر داده و به شکل‌های مختلف بروز می‌دهد. آیا کودک می‌داند حسودی کردن یعنی چه؟ آیا کودک می‌داند بدگویی از دیگران یعنی چه؟ آیا کودک می‌داند دروغ به اصطلاح مصلحتی چیست؟ نه، اینها الگوهای رفتاری بزرگ‌ترا هستند. هر جا کسی را از خودمان بهتر و بالاتر می‌بینیم، شروع می‌کنیم به حسادت و بدگویی و هر جا عرصه را به خود تنگ می‌بینیم، شروع می‌کنیم به دروغ گفتن برای فرار کردن. همین‌ها باعث می‌شود تا نقاشی دوستش را مزخرف بداند و خط‌خطی‌های خود را با ارزش. فرزند را فقط برای امروز و فردا تربیت نکنید، بلکه او را برای تمامی دوران پر فراز و نشیب زندگی بزرگ کنید. شما باید به او بزرگی کردن را یاد بدهید

و در اولین قدم‌های رفتاری خود با جای پای والدین می‌گذارند. بعدها رفتارهای زشت خود را تعمیر داده و به شکل‌های مختلف بروز می‌دهد. آیا کودک می‌داند حسودی کردن

یعنی چه؟ آیا کودک می‌داند بدگویی از دیگران یعنی چه؟ آیا کودک می‌داند دروغ به اصطلاح مصلحتی چیست؟ نه، اینها الگوهای رفتاری بزرگ‌ترا هستند. هر جا کسی را از خودمان بهتر و بالاتر می‌بینیم، شروع می‌کنیم به حسادت و بدگویی و هر جا عرصه را به خود تنگ می‌بینیم، شروع می‌کنیم به دروغ گفتن برای فرار کردن. همین‌ها باعث می‌شود تا نقاشی دوستش را مزخرف بداند و خط‌خطی‌های خود را با ارزش. فرزند را فقط برای امروز و فردا تربیت نکنید، بلکه او را برای تمامی دوران پر فراز و نشیب زندگی بزرگ کنید. شما باید به او بزرگی کردن را یاد بدهید

والدین می‌گذارند، بعدها رفتارهای زشت خود را تعمیر داده و به شکل‌های مختلف بروز می‌دهد. آیا کودک می‌داند حسودی کردن یعنی چه؟ آیا کودک می‌داند بدگویی از دیگران یعنی چه؟ آیا کودک می‌داند دروغ به اصطلاح مصلحتی چیست؟ نه، اینها الگوهای رفتاری بزرگ‌ترا هستند. هر جا کسی را از خودمان بهتر و بالاتر می‌بینیم، شروع می‌کنیم به حسادت و بدگویی و هر جا عرصه را به خود تنگ شدد و شرایط دل او را زد پس می‌تواند به راحتی چشم‌به روی همه چیز ببیندد و آن مسئله را کنار بگذارد. باید رشد کردن فقط تغییر اندازه، پیرامن و با تغییر شماره کفش نیست، بلکه به فرزند خود یاد بدهید در انتخاب‌هایش رشد کند و دوست یابی، انتخاب رشته تحصیلی و حتی ازدواج را مانند لباس خریدن نداند که هر وقت چیزی ببیندد و آن مسئله را کنار بگذارد. باید رشد کردن فقط تغییر اندازه، پیرامن و با تغییر شماره کفش نیست، بلکه به فرزند خود یاد بدهید در انتخاب‌هایش رشد کند و دوست یابی، انتخاب رشته تحصیلی و حتی ازدواج را مانند لباس خریدن نشود برای آسایش

او همه راه‌های زندگی‌سنگ فرش و هموار شوند. اگر از همان کودکی او را به روی پای خود ایستادن عادت بدهید هیچ وقت لوس، پرتوقع، سرکش و لجباز نخواهد شد و در آینده هم نوجوان و جوانی مسئولیت‌پذیر و بافکر خواهد بود.

بزرگ‌ترا فکر می‌کنند یک پدر و مادر نمونه

بودن یعنی همه کارهای فرزند خود را انجام

دهی و او حتی ذره‌ای ندغدغه نداشته باشد، در

■ تهنید بد به ترک کردن و تنها گذاشتن

کودک نیز نوعی خشونت پنهان علیه اوست. حتی یک درددل ساده داشتن با کودک هم اگر حاوی موضوعات غم‌انگیز و ناراحت‌کننده باشد می‌تواند خشونت علیه روح و روان کودک محسوب شود. گذاشتن کلاس‌های فوق‌برنامه سنگین برای کودکان به بهانه رشد و موفقیت او نیز یک نمونه از مصادیق خشونت پنهان علیه کودکان است

بدون اینکه در نظر بگیرند این کار چه ضربه‌هایی را به روح و روان و آینده کودکانشان وارد می‌کند. بی‌شک این کودک هیچ‌گاه فرصت نمی‌کند «من» ارزشمند درونی خود را پرورش دهد و فقط یاد می‌گیرد اگر زیبا باشد و لباس‌های فشنگ بپوشد، مورد استقبال و تأیید دیگران قرار می‌گیرد. آسیب دیگری که به این کودکان وارد می‌شود این است که باعث به وجود آمدن اعتماد به نفس کاذب در آنها می‌شود. این مثال را زدیم که بگوییم اغلب افراد گمان می‌کنند خشونت علیه کودکان فقط جسمی یا جنسی است، در صورتی‌که بیشتر خشونت‌ها علیه کودکان پنهان است. مصادیق خشونت پنهان علیه کودکان بسیار فراوان است. عدم توجه کافی به نیازهای کودک و همچنین مقایسه کودک با همسالانش نمونه‌ای از این مصادیق است.

همچنین اگر پدر همواره از مصادر حمایت کند و نقش حامی را در خانواده ایفا کند، فضا برای ایجاد رابطه امن و مؤثر با کودک مهیا می‌شود. چنانچه پدر و مادری کردن والدین برای کودک بدون شرط باشد و عشق آنها به کودک بدون قید و شرط ابراز شود، فضای بین آنها مملو از امنیت برای کودک می‌شود.

والدین باید تلاش کنند کودک خود را بدون شرط بپذیرند. پذیرش نامشروط اصلی‌ترین پایه‌های بنیادی رشد و پرورش کودک است. همچنین پدر و مادها سعی کنند توقعات خود را از کودکانشان تعدیل کنند. توقعاتی که فراتر از سن کودک باشد، امنیت را از کودک می‌گیرد و دائماً در او حس ترس و نگرانی را می‌افزاید. فریاد کشیدن‌های بی در پی یا برعکس سکوت‌های طولانی مدت باعث می‌شود کودک دچار خود کم‌بینی شود و والدین باید از این موارد پرهنز کنند.

نیاهت توجه به این نکته ضروری است که مغز کودک شما هر روز را رفتارهای شما قوی‌تر می‌کند، در مغز خود ذخیره می‌کند و در آینده این فیلم را در مسیر زندگی خود تکرار می‌کند. پس آگاهانه انتخاب کنید چه رفتاری را تا آخر عمر می‌خواهید در ذهن فرزندان حک کنید.

● روانشناس و مشاور خانواده

اضافه وزن و تنبلی و کم شدن روابط عمومی و تعامل کودک‌کامنان با دیگران هستیم. حال سؤال اساسی این است که وظیفه والدین مسئولیت‌پذیر و حساس در مواجه شدن با این شرایط چیست و باید چه رهنمودهایی را پیش رو داشته باشند؟

باسخ واضح است. اگر کودکانمان خواستند از بازی‌های موبایلی و رایانه‌ای استفاده کنند، بهتر است برای آنها بازی‌هایی را انتخاب کنیم که تصویرهای به کار برده شده در آنها خلاقانه باشد تا کودکان با خلاقیت و هوش خود معماهای بازی را حل کنند، یا بازی‌هایی را انتخاب کنیم که از تصاویر مخرب و مسئله‌ساز که متناسب با سنین آنها هم نیست، در آنها کمتر استفاده شده باشد تا روحیه جنگجویی در کودکانی که پرخاشگر هستند از بین برود.

■ بازی‌های دسته‌جمعی به جای بازی‌های مخرب رایانه‌ای

بهتر است پدر و مادرها تلاش کنند تا به توفیق واحد به منظور تصویب یک قانون برای کودک خود برسند، توافقی که در آن فرزندشان اجازه دارد تنها در ساعتی معین در روز با تنها چند بار در هفته از این نوع بازی‌ها استفاده کند و در صورت مخالفت و رفتار غیرمعمول از سوی کودک که مسلماً ناشی از محدودیت حاصله برای اوست، باید سعی کنند یا آوردن استدلال‌های منطقی و قایل فهم برای کودکان، آنها را از آسیب‌های مخرب روح و جسمشان، برحذر کنند.

در کنار همه این راهکارها بهترین و مؤثرترین پیشنهادی که می‌توان خطاب به والدین گفت این است که نهایت تلاش خود را روی این مسئله بگذارند که وقت بیشتری را برای کودکانشان اختصاص دهند؛ به نحوی که خانواده‌ها با رفتن به دل طبیعت و گردش یا شرکت در باشگاه‌ها و میادین ورزشی و بازی‌های دسته‌جمعی، نحوه صحیح تعامل و ارتباط اجتماعی بین خود و فرزندانشان را حتی روابط فرزندانشان با دیگر بچه‌ها را برقرار کرده و زمینه‌ی اسراری بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی مخرب کمتر کنند.